

گفت و گو با دکتر رییس طوسی (۲)

در شماره گذشته، آقای دکتر رییس طوسی درباره نقش استراتژیک ایران در حوزه خزر، مطالب ارزنده ای را مطرح کرد و در کنار آن به تحلیل و ارزیابی منافع استراتژیک روسیه، آمریکا و کشورهای حوزه خزر پرداخت.

اشاره به نارساییهای راهبردی سیاست خارجی ایران در حوزه خزر، در مقابل فعالیت روزافزون شرکتهای آمریکایی و نمایندگان دولت آمریکا، دو طرف

معاهده ای را ترسیم می نمود

که دکتر رییس طوسی

بر آن تاکید داشت.

در این شماره بخش دوم مصاحبه

از نظر شما می گذرد.



تحقق پیدا خواهد کرد. به همین دلیل، دیپلماسی فعالی در این زمینه ندارند. در حالی که ترکیه دیپلماسی بسیار فعالی دارد و در اکثر اجلاسهای مشترک با کشورهای منطقه قفقاز نظر آنها را جلب می کند. □ من نیز می توانم بگویم که شاید برداشت نادرستی از اتکا به خدا در این مقوله نهفته است. در فرهنگ قرآنی هم می بینیم که خداوند انسانها را موجوداتی خلاق می خواند. خود او هم خلاق است و دایم در حال آفرینندگی می باشد. بر این اساس، خلاقیت ویژگی یک انسان توحیدی است. او باید کسی باشد که از وجودش خلاقیت تراوش کند، چرا که آینده او در گرو خلاقیت اوست و در قیامت نیز آنچه که برای او باقی می ماند، خلاقیتی است که از خود بروز داده است. بر این اساس، اگر ما بخواهیم به خدا توجه کنیم و به سمت او حرکت نماییم، بایستی بیشتر خلق کنیم، تولید داشته باشیم و خلاقیت به خرج دهیم. خدا به هیچ کس قول نداده است که اگر در خانه بنشینند، مشکلات او را حل می کند. من امیدوارم که علمای علم برداشت درستی از رابطه انسان و خدا آرایه دهند که حرکت آفرین باشد و خلاقیت ما را بالا ببرد. نگاهی به گذشته می تواند ما را به این نکته واقف کند. در دوره دکتر مصدق، مشکلات به مراتب بیشتر

حوزه خزر و آسیای مرکزی باشد، نباید از چشم روشنفکران ما دور بماند. آنها باید این منافع را شناسایی کنند، روی آن کار کنند و آن را به مردم منتقل نمایند. من این ضرورت را بسیار جدی می بینم. مطبوعات و رسانه ها نیز باید فعال شوند و قهر جوان نیز به میدان بیاید و در قسمت های مختلف این پروژه کار کنند. مهم برادران و همسایه کشورهای منطقه هستند. من تربیت را نشان دهنده حسن مدیریت کشورهای منطقه خزر منافع مشترک داریم. اگر راه را درست ندیم، هر نظر آنها نیز بقبول می آید. این وحدت منطقه ای نیز از بکته کاری شرکتیهای فراملیتی جلوگیری می کند.

■ یک مشکل عمومی در روحیه ما ایرانیان وجود دارد که از آن می توان به «غرور خدا بسندگی» تعبیر کرد. یعنی به یاری خدا مغرور و خیال تخت هستیم و این توقع در ما وجود دارد که خدا حتما کار ما را درست می کند. چنین حالتی باعث می شود که ما نتوانیم فعال شویم و به دنبال آرایه راه حل و یافتن شیوه های جدید باشیم. در مورد همین خط ترانزیت هم مسؤولین ما بسیار بی خیال عمل می کنند. هشدارها را به هیچ می گیرند و می گویند، بالاخره عبور خط ترانزیت از ایران

■ احمد شاه مسعود در مصاحبه ای گفته بود، طالبان به منافع ملی افغانستان خیانت کردند و سبب انصراف شرکت یونیکال از پروژه ترانزیت لوله شدند. یک نیروی در حال جنگ، تا این اندازه درباره منافع ملی خود حساس است. چرا در ایران چنین حساسیتی را در نیروهای ملی مذهبی و همچنین روشنفکران کمتر می بینیم؟ از نیروهایی مانند جناح راست که توقعی نمی رود، ولی چرا نیروهایی که در نظریه، الگوی مصدق در مبارزه با استعمار خارجی را پذیرفته اند، در صحنه عمل، فاقد حساسیتهای مصدقی نسبت به نفت، منافع ملی و... هستند؟

□ من هم در این مورد با شما همدردم و از این بابت احساس نگرانی می کنم. خاطره ای را از دوران دانشجویی نقل می کنم که می تواند به نوعی پاسخگوی شما باشد. به یاد دارم که در آن زمان اولین زهرای قزوینی، دانشجوی رشته معماری عمرانی آن مقطع تحصیلی، سال داشتند. بطور مثال شهری که در آن زمان ساخته شد، دانشجویان در کارهای اجرایی آن نقش موثری را ایفا کردند. با بعد از سلیلی که در جنوب تهران در محله جوادیه جاری شد، دانشجویان به امر ساختن پل و کارهای ساختمانی منطقه سهل زده پرداختند. این دو نمونه ای که گفتم، نماد تفاهم و همکاری و همدردی بین مردم و دانشجویان بود. توجه به منافع ملی و همکاریهای جمعی در سطوح مختلف دانشجویی، در رابطه با اقشار مختلف از کارگر گرفته تا بازاری، حساسیت آنان را نسبت به شرایط ایران نشان می داد. در حال حاضر حساسیت نسبت به شرایط استراتژیک ایران و منافع ملی ما، وظیفه همه دانشگاهیان، احزاب و ملیون است. این که در حال حاضر، ایران می تواند دروازه ای برای عبور کالاهای آسیای مرکزی و یا نفت

اگر ما بخواهیم به خدا
توجه کنیم و به سمت
او حرکت نماییم،
بایستی بیشتر خلق
کنیم، تولید داشته
باشیم و خلاقیت به
خرج دهیم. خدا به
هیچکس قول نداده
است که اگر در
خانه اش بنشینید،
مشکلات او را حل
می کند.

بخصوص دانشجویان را

به مطالعه آن دعوت

می کنم. این که چگونه

اقتصاد بدون نفت

دکتر مصدق به توفیق

رسید، عامل مهمی در به

قاطعیت رساندن آمریکا

و انگلیس در کودتا

بر علیه نهضت ملی بود.

تا آنجا که مقدور

است بایستی از

فروش نفت به

هر صورت

خودداری کنیم.

ما می توانیم با

تبدیل نفت خام

به فرآورده های

متنوع جلوی

غارت این لرونت

ملی را بگیریم.

آیا با چنین اهرمهایی می توانیم بسر بازار نفت اثر گذار باشیم؟

□ متأسفانه در شرایط کنونی ما در وضعیتی نیستیم که بتوانیم نقش تعیین کننده ای را در بازار نفت ایفا کنیم. کارتهای نفتی از یکسو و آژانس بین المللی انرژی از سوی دیگر با تدابیری که از ۱۹۷۰ به بعد اتخاذ کرده اند، نهادهای تعیین کننده ای در بازار نفت می باشند. حتی اگر قیمتهای نفت را ما تعیین کنیم، نخواهیم توانست در قیمت کالاهای صنعتی که آنها به کشورهای صادرکننده نفت ارسال می کنند، اثر گذار باشیم. در ساختار نفتی کنونی، ما ناچاریم که تحمیل آنها را بپذیریم. به این لحاظ من اعتقاد دارم که اساساً تا آنجا که مقدور است بایستی از فروش نفت خام به هر صورت خودداری کنیم. ما می توانیم با تبدیل نفت خام به فرآورده های متنوع جلوی این غارت ثروت ملی را بگیریم.

■ آیا می توانیم آسیای مرکزی را هم به این خط مشی فرابخوانیم؟ با توجه به دانش صنعت نفت در ایران، آیا توانایی آن را داریم که مانع فروش نفت خام توسط آنها نیز شویم، تا به بلای مسجده سلیمان ما گرفتار نیایند؟

□ احساس من این است که آنها این زبان را خوب می فهمند. به دلیل آنکه در اقتصاد اتحاد جماهیر شوروی نیز هر یک از این کشورها اقتصادی تک محصولی داشته اند، دارای مشکلی مشابه با ایران هستند.

■ ولی علی رغم این تجربه، غرب آنان را به این مسیر سوق می دهد که در نهایت صادرکننده نفت خام و دارای اقتصادی تک محصولی باشند.

□ به هر حال این کشورها دارای مشکلات فراوانی هستند. عموم سیاستمداران حاکم اصولاً از همان قشر سیاسی سیستم سابق شوروی می باشند و به همین دلیل نمی توان انتظار نوآوری ملی را از این طیف داشت. ولی در شرایط کنونی، می توانیم با تجدیدنظر در برخی از سیاستهای منطقه ای، در شرایطی که حاکمیت آمریکا روزه روز بر این کشورها بیشتر می شود، در مسیر آینده آنها ایفای نقش کنیم. البته در شرایط کنونی این امکان وجود ندارد، ولی در آینده ای نه چندان دور که غرب مشکلات جدی خود را به نمایش خواهد گذاشت، فرصت مناسبی برای جهان سوم و همچنین ایران خواهد بود که روشهای دیگری را دنبال کنند. تنها کار

بود. سطح با سوادها و همچنین رشد اجتماعی مردم آن دوره با امروز قابل مقایسه نیست. ولی با این حال، تلاش مصدق این بود که مردم را تربیت کند و امکان حرکت فراهم نماید. در حالی که در شرایط کنونی، علیرغم داشتن نیروهای فراوان متخصص و تحصیلکرده، از یک سو با فرار مغزها مواجهیم و از سوی دیگر آنهایی که مانده اند نیز مجال برای فعالیت ندارند. در دوره مصدق نفت ما را تحریم کردند، اقتصاد ایران را تحت فشار قرار دادند، ولی با این حال به دلیل اتکای دکتر مصدق به نیروهای فعال موجود، در آن مقطع مشکلات بسیاری حل شد. به نظر من کودتا بر علیه مصدق به دلیل موفقیت او در برنامه هایش بود. این نکته مهمی است که من همه را بخصوص دانشجویان را به مطالعه آن دعوت می کنم. این که چگونه اقتصاد بدون نفت دکتر مصدق به توفیق رسید، عامل مهمی در به قاطعیت رساندن آمریکا و انگلیس در کودتا بر علیه نهضت ملی بود. به نظر می رسد با امکانات امروز ایران و با فرهنگ جوشان و خلاق که اسلام دارد و تحقق آینده ای که خدا به انسانها وعده داده و آن را در گرو کار و خلاقیت دانسته است، می توان با انگیزه هایی والا تر از سود شخصی مشکلات ایران را حل کرد. اگر به لحاظ ایدئولوژیک به این نکات توجه شود، امکان برخورد بنیادی با مشکلات کنونی ایران وجود دارد.

■ با توجه به نوسان قیمت نفت، اگر هر بشکه نفت زیر بیست دلار به فروش برسد، تولید نفت خزر نخواهد توانست هزینه های خودش را جبران کند و نه تنها خط لوله باکو-جیحان بلکه خط لوله ای هم که از ایران عبور نماید، سوددهی نخواهد داشت. آیا بهتر نیست که ما به صورت ضربتی، خط لوله «نکا» به پالایشگاه تهران را احداث کنیم و دنیا را در مقابل عمل انجام شده ای قرار دهیم. یعنی حدود چهارصد هزار بشکه نفت خزر را در پالایشگاههای شمال و تهران پالایش کنیم و سپس در خلیج فارس به آنها نفت خام تحویل دهیم؟ (سواب) در چنین شرایطی هزینه انتقال نفت خزر بسیار پایین خواهد بود و حتی شرکتی مانند موبیل، دولت ایالات متحده را برای تن دادن به این نحوه قرارداد، زیر فشار قرار خواهد داد.

موثری که در شرایط کنونی می توان انجام داد، تولید هرچه کمتر نفت خام و رو آوردن به سایر تولیدات است. اگر ما بتوانیم برای این مشکل راه حل ملی پیدا کنیم، راه حلی برای دیگر کشورهای حوزه خزر نیز خواهد بود.

من فکر نمی کنم در شرایط آینده مسایل سیاسی حرف آخر را بزند. بلکه به نظر می رسد در دهه های بعدی اولویتهای اقتصادی حرف آخر را بزند. تا آنجا که حتی فرهنگ ما زیرمجموعه ای از سرمایه خواهد شد.

بود.

■ آیا می توان رشد «اقتصاد صنعت نفت» به جای «صادرات نفت خام» را مطرح کرد؟

□ بله. در عین حال می توانیم برای پروژه های ترانزیت نفت و گاز از ایران فعال باشیم. ولی یک تغییر چشمگیر می باید در نوع برخورد ما با صدور نفت خام به وجود بیاید و از طرفی سیاست خارجی ما تحولی اساسی پیدا کند.

■ خاطره ای را از مرحوم مصدق نقل می کنند که در واقع تبدیل «اقتصاد متکی به نفت خام» به «رشد صنعت نفت» را بخوبی نشان می دهد. ایشان یک روز آقای عالی نسب را احضار می کند و به او می گوید، با توجه به تحریم نفت ایران از طرف انگلیس، کاری کنید که نفت در لوله ها به جریان بیفتد. منتهی بجای اینکه صادر شود، به مصرف داخلی برسد. آقای عالی نسب با چند صنعتکار تبریزی از جمله شیخ علی اکبر صحت، صحبت می کند و به دنبال آن سماور ذغالی را به سمار نفتی تبدیل می کنند. وقتی مرحوم مصدق سماور نفتی را می بیند خیلی خوشحال می شود و جشنی را در نخست وزیری برپا کرده و از

میهمانان با چای «سماور نفتی» پذیرایی می کنند.

□ من نیز خاطره ای از آقای عالی نسب نقل می کنم که جنبه دیگر این بحث را می شکافد. خود آقای عالی نسب می گفت که من تنها با کار تجارت آشنا بودم و اصلاً پیچ و مهره و... را نمی شناختم. ولی به دلیل آن که به این نکته رسیده بودم که چوبهای جنگل نباید به مصرف ذغال برسد و باید این جنگلها حفظ شوند و از طرفی دولت ما هم به رشد این صنعت نیاز دارد، من به طرف این کار رفتم. آقای عالی نسب با تمامی مشکلاتی که انگلیسیها برای او به وجود می آوردند، یکی از موفقترین کارفرمایان بخش صنعتی بود که چراغهای علالدین و سماور نفتی و... از محصولات کار ایشان می باشند. من برای ایشان دعا می کنم و امیدوارم که مردم ما از تفکرات ایشان استفاده کنند، چرا که امثال آقای عالی نسب ذخایر اساسی کشور ما می باشند.

■ چرا در شرایط کنونی نیروهای متخصص و همچنین طیفهای ملی، مذهبی در این استراتژی فعال نیستند؟

□ در ارزیابی این موضوع، من فکر می کنم که در شرایط فعلی بسیار ضعیف عمل می کنیم. نگاه جدی برای برنامه ریزی ۲۰ سال آینده ایران وجود ندارد و این فقدان استراتژی بسیار مخاطره آمیز است. ممکن است به یکباره متوجه شویم که خیلی چیزها را از دست داده ایم. من اخیراً شنیدم که حتی جناب آقای خاتمی گفته اند که برای حل مشکل آب قشم ممکن است که از «فاینانس» خارجی استفاده کنیم. اگر ما برای مشکل آب قم می خواهیم از فاینانس استفاده کنیم، معلوم نیست چه کار دیگری باقی خواهد ماند که نیازمند سرمایه خارجی نباشد.

■ آیا از نظر شما سرمایه گذاری خارجی در حوزه نفت و گاز هم مخاطره آمیز است؟

□ برآوردهای غرب حاکی از آن است که برای افزایش ظرفیت تولید به میزان پنج میلیون بشکه، هفتاد میلیارد دلار سرمایه نیاز است. در جایی خواندم که ایران می خواهد ظرفیت تولید را از حدود سه میلیون بشکه در روز به پنج میلیون بشکه افزایش دهد. این افزایش دومیلیون بشکه ای در روز نیاز به حدود ۲۷ میلیارد دلار سرمایه گذاری دارد. به این نکته توجه داشته باشید که سرمایه گذاری در نفت به مدت زمانی حداقل ۲۰ و حداکثر ۵۰ سال نیاز دارد. یعنی

یک شرکت خارجی برای بازیافت سرمایه اش در حوزه نفت و گاز یک چشم انداز پنجساله را در نظر می گیرد و این که آیا کشور مورد نظر به لحاظ قوانین داخلی و همچنین موقعیت بین المللی دارای شرایط مساعدی می باشد یا نه؟ از سوی دیگر برای جلب آنها ناچاریم که حاکمیت اقتصاد جهانی را بپذیریم. عملکرد دو دهه قبل، نمادی از این موضوع است. باید برنامه های آنها را قیلول کنیم، تا آنها بیایند و در کشور ما سرمایه

آقای عالی نسب با تمامی مشکلاتی که انگلیسیها برای او بوجود می آوردند یکی از موفقترین کارفرمایان بخش صنعتی بودند که چراغهای علالدین و سماور نفتی و... از محصولات کار ایشان می باشد.

گذاری کنند. معنای آن، این است که تمام اصول برنامه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ما باید منطبق بر معیارهای آنها باشد.

■ آیا این نگرش از حساسیت سیاسی به مسایل سرچشمه می گیرد یا اینکه توجیه اقتصادی نیز دارد؟

□ من فکر نمی کنم در شرایط آینده، مسایل سیاسی حرف آخر را بزند. بلکه به نظر می رسد در دهه های بعدی، اولویتهای اقتصادی حرف آخر را بزند، تا آنجا که حتی فرهنگ ما زیرمجموعه ای از سرمایه خواهد شد. چرا که وقتی زیربناهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را متناسب با پذیرش و جذب سرمایه های خارجی شکل دادیم، طبیعی است که سرمایه حتی در زمینه فرهنگ حرف آخر را بزند. بنابراین احساس من این است که نگاه استراتژیک در تعیین اولویتهای و به تبع آن برنامه ریزی از اساسی ترین نکات است.

کنار برنامه ریزی نقش تعیین کننده ای در استراتژی مصدق داشت.

■ **مصدق چنین نگاهی در حوزه خزر چه می تواند باشد؟**

□ ما می توانیم با عنایت به اهداف استراتژیک خود، شرایط ساده تر و ارزانه تری را به کشورهای آسیای مرکزی ارائه دهیم. چرا که آنها از یکسو برادران مسلمان ما

■ **آیا به نظر شما تکرار الگوی مصدق در زمینه سیاستهای استراتژیک، در شرایط کنونی امکان پذیر است؟**

□ این نکته بسیار مهمی است. مصدق به سیاستهای استراتژیک بسیار پایبند بود و همانگونه که تاریخ گواهی می دهد، می بینیم که او در این مسیر حتی نقت را به نصف قیمت به جهان عرضه می کرد تا بتواند محاصره اقتصادی انگلستان را بشکند. وقتی استراتژی وجود داشته باشد، در کوتاه مدت می توانیم حتی از منافع خود چشم پوشی کنیم. چرا که حل مشکلات استراتژیک را مدنظر داریم. اتکای مرحوم مصدق به مردم ایران یکی از پایه های اصلی استراتژی او بود. توجه به این اهرم در

■ **آیا در شرایط کنونی نشانه ای از این نگاه استراتژیک در برنامه ریزی واقع بینانه به چشم می خورد؟**

□ پدیده هایی را که من می بینم حاکی از چیز دیگری است. بطور مثال بسیاری از هزینه هایی که برای عمران شهر تهران صورت می گیرد و در شرایط فعلی هم آنچنان ضرورتی ندارد، می تواند صرف احداث همان خط لوله نکا - تهران شود که شما به آن اشاره داشتید. یا صرف تسریع در ساخت راه آهن سرخس به بندر چابهار گردد و بعد از بازده چنین پروژه هایی، هزینه های عمرانی شهرهایی مانند تهران تامین شود. هر چند که در پاره ای از مسایل، خلاقیت خود را نشان داده ایم، برنامه های بلندمدتی مانند باز کردن راه آسیای مرکزی به دریاهای آزاد باید با جدیت دنبال شود و در این راه باید مردم را آگاه کنیم تا آماده پرداختن هزینه های چنین طرحهای بلندمدتی شوند. در غیر این صورت مخاطرات بزرگی ما را گرفتار خواهد کرد.

آیا به نظر شما تکرار الگوی مصدق در زمینه سیاستهای استراتژیک کنونی امکان پذیر است؟

هستند و باید حسن نیت ما را ببینند و از طرف دیگر شرایط سهل و آسان ما می تواند مسایل استراتژیک آنها را هم حل کند.



يقولون ان الموت صعب والله بل مفارقت الاحباب اصعب

امام حسین علیه السلام

گویند که مرگ سخت است ولی بغدا سوگند، دوری دوستان سخت تر است.

آنچنان با صداقت وجود او خو گرفته بودیم که اکنون نمی توانیم هجران او را باور کنیم، درگذشت جانگداز حاج محمد حسن ظریف جلالی را به خانواده گرامی آن مرحوم، آیت الله منتظری و به همه مبارزین و زندانیان سیاسی دوران ستمشاهی تسلیت می گوئیم.

چشم انداز ایران

حاج محمد حسن ظریف جلالی